**معاهده ٢۴/٠٧/۱۹٢٣ لوزان و فاجعه مردم کوردستان**

خواننده عزیز توجه کنند که مطلب جاری شرح بسيارمختصرازحقايق شرایط تاریخی مردم کوردستان را بيان می کند.

پيشينه تاريخی.نام کردستان به کلمه کور،Kur، سومری برمی گردد که بيش از پنج هزارقبل معنائی شبيه به کوه را افاده می کند.با افزودن پسوند تی،ti، به آن کلمه کورتی،kurti، معنی عشريه کوهی يا مردم کوهستانی را بيان می کند- کوردستان عموما سرزمینی کوهستانی است. مردم لوويانز،Luwians، حدود 3000 سال پيش در غرب آناتولی زيست می کردند، کوردستان را گوندونا،Gondwana،نامیدند، در زبانشان به معنی «سرزمين دهات» بود. هنوز در زبان کوردی واژه گوند می شود ده يا دهکده.دردوران امپراطوری آشور(ازاوايل تا میانه دوران برونز تا اواخر دوره آهن)کردها به نام نايری،Nairi، به معنی مردمان کنار رودخانه ترجمه شده است. دردوره قرون وسطی، زيرسلطه حکومت های اعراب، به کردستان تحت عنوان بلد اکراد،Beled akrad، اشاره شده است. پادشاهان سلسله سلجوقيان که پارسی صحبت می کردند برای نخستین باردرمکالمات رسمی از واژه کوردستان،*Kurdistan*، به معنی سرزمين کردها نام می بردند. سلاطين عثمانی همچنين مناطقی را که کردها زندگی می کردند، کوردستان ناميدند.تا دهه 1920 اين نام عموما بکارمی رفت. بعداز1925 وجود کوردها درترکيه انکارشد1/.

کردستان جغرافيائی يک پارچه درخاورميانه بود. با قرارداد قصرشیرین بين شاه صفی پادشاه صفوی وامپراطوری عثمانی در ۱۷ می ۱۶۳۹میلادی ، روژيهلات يا پاره شرقی کردستان مرز سلسله صفوی باامپراطوری عثمانی گرديد وبدين ترتيب، بخش عمده بدنه جغرافيا وجمعيت کوردها درامپراطوری عثمانی باقی ماندند.

درميانه جنگ جهانی اول، درسال 1916 دوقدرت متحدامپرياليستی انگلستان و فرانسه با آگاهی برشکست امپراطوری عثمانی درجنگ، سرپرسی سايکس مشاورخاورميانه امپرياليسم انگلستان وسرهنگ پکتو نماينده امپرياليسم فرانسه ازجانب دول متبوعه خود مخفيانه متصرفات خاورميانه عثمانی را بين خود تقسيم کردند. بعداز پايان جنگ جهانی اول درقرارداد سورس،Severs، درسال 1920، پيشترامپراطوری عثمانی امضاء کرده بود، بيان شده بود در آناتولی شرقی-کوردستان شمالی واقع درترکيه کنونی- دولت مستقل کوردهاتشکيل شود. ولی بعدازمذاکرات بين دول شرکت کننده وديکته کردن ملاحظات جغرافيایی-استراتيژيک ازسوی دوقدرت امپرياليستی انگلستان وفرانسه فاتح درجنگ ودولت تازه تاسيس جمهوری ترکيه به زعامت کمال مصطفی پاشا- ملقب به آتاتورک - پدرترک ها گرديد-،قول وقرارسورس سال 1920ا اجرا نشد وبا امضای معاهده لوزان،Lausanne، درتاريخ 24 جولای 1923 تقسيم سرزمين يک پارچه کوردستان به چهار بخش:کوردستان شمالی يا باکوردرترکيه، روژاوا،کوردستان غربی درسوريه، باشوريا کوردستان جنوبی درعراق وروژيهلات يا کوردستان شرقی درايران قطعيت يافت.اين چنين بود که فاجعه مردم کوردستان يک ربع قرن پيشتراز فاجعه(نکبت) مردم فلسطين رخ داد. قانون اساسی جمهوری نژاد پرست ترک ترکيه وجود مردم کرد درترکيه را انکارمی کند. ولی، چنين رويکردی استثنائی نبود. درسوريه جمهوری سوسياليستی عربی حافظ ال اسد وجود مردم کورد روژاوا درشمال سوريه را ننگی بردامن ملت عرب دانسته ودولت نژاد پرست عرب سوريه مصمم به ازبين بردن کوردها گرديد.تصميم به ايجاد کمربندی به عمق 30 کيلومتر درشمال سوريه وکوچ کردن صدها هزارمردم کورد، تخليه دهات و انتقال عرب ها به دهات مردم کورد ... گرديد. دولت سوسياليستی عربی وحده ،حريه اشتراکيه عراق بازعامت صدام حسين ديکتاتورشديدا مبارزه کوردهای شمال عراق را سرکوب کرد، چاه های منطقه کردستان را مسموم کرد و واقعه حمله شيميائی منجربه کشته شدن چندين هزار کورد درحلبچه گرديد.درايران نيزاززمان رضاخان قزاق مردم کردستان ،روژيهلات، طی يک قرن گذشته سرکوب شده اند.

**ريشه ايدئولوژی ناسيوناليسم**

اريک هابس بوآم تاريخ دان برجسته جهانی پديداری دولت-ملت سرمايه داری و زاده اش ايدئولوژی ناسيوناليسم را به ناپلئون بناپارت نسبت می دهد. ناپلئون بود که درابتدای قرن نوزدهم مفهوم دولت-ملت سرمايه داری وايدئولوژی ناسيوناليسم را برپايه های يک ملت، يک زبان، يک مذهب، يک سرود ملی، بوروکراسی گسترده وحمايل امپراطور يا رئيس جمهوربنياد کرد. ولی، درفرانسه ناپلئون بناپارت بيش ازيک ملت، يک مذهب وفراترازچهل زبان گوناگون وجود داشت.ازاين رو، دولت-قدرت های سرمايه داری برای همگنی وتجانس اجتماعی تضيقات مادی وغير مادی گوناگونی عليه ملت ها، مذاهب وزبان های غير از دولت-ملت حاکم اعمال کرده اند.دولت-قدرت سرمايه داری ازايدئولوژی ناسيوناليسم برای ايجاد وحدت دردرون کشور بهره برده و با شعارهمه ما ناسيوناليست ووطن پرست هستيم نابرابری های گوناگون اجتماعی را کتمان کرده وزمينه توليد ارزش اضافی را فراهم می کند.ازسوی ديگردولت-قدرت های سرمايه داری از ايدئولوژی ناسيوناليسم برای اهداف تجاوزگری برون مرزی توده های مردم را همچون گوشت دم توپ به جبهه های جنگ گسيل می کنند.

وقتی درقرن يازدهم شاخه ای ازسلجوقيان از فلات ايران به آناتولی،ترکيه کنونی، مهاجرت کردند يونانيان، ارامنه، علوی های شيعه وکوردها درآناتولی زندگی می کردند.ترک های سلجوق وارد آناتولی عاری از سکنه نشدند، تا از بدو تاسیس جمهوری ترکیه ادعای صاحب خانه کنند. آتاتورک به تاسی ازناپلئون بناپارت جمهوری تازه تاسیس ترکیه را براساس ملت ترک، زبان ترکی و مذهب سنی بنا کرد. ترکیه از مردم يونان خالی شد وپيشتريک ونيم ميليون مردم ارمنی ساکن ترکیه قتل عام شده بودند و نقشه ارمنستان از آناتولی محو گرديد. برابر با نص صریح قانون اساسی ترکیه آتاتورک مردمانی بنام کورد درترکيه وجود نداشته و ساکنین کوهها را ترک ها تشکيل می دهند. انکار وجود، يا ادغام واسيميليشن کوردها مستلزم کاربرد اعمال شيوه های مادی و غیرمادی سرکوب و نابودی هويت کوردها لازم بود. زبان نوشتاری و شفاهی ابزار بقای زبان و فرهنگ هر ملتی است. زبان کوردی ممنوع گرديد و مردم کورد مجبور شدند زبان ترکي آموخته به ترکی مکاتبه کرده، به ترکی بنویسند، مطبوعات و کتب ترکی خوانده و رسانه های جمعی، موسیقی و فیلم های ترکی را شنود و تماشا کنند. هرگونه استفاده از زبان کردی شدیداً مجازات گرديد، کوردها ازسن طفولیت مجبور به ياد گيری زبان ترکی شدند.گويا انکار، ادغام واسيميليشن کوردها کامل شد وهويت کوردی نابود گرديد. به موازات اين سیاست ادغام کوردها در جامعه ترک ترکیه، کردستان ترکیه مستعمره دولت-قدرت ترکیه گرديده بود و آگاهانه کوردستان ترکیه عقب مانده نگاهداشته شد و کوردستان کشاورزی باقی ماند و همپای بخش ترک نشین ترکیه صنعتی نشد. صدها هزار کورد برای امرار معاش به عنوان کارگر ارزان راهی بخش های ترک نشین بويژه استانبول، آنکارا وازميرگرديدند. اما، از همان اوان تشکيل جمهوری نژاد پرست ترک ترکیه، مردم کوردستان عليه سیاست انکار سکوت نکردند، وتاپديداری پارادایم جنبش نوین آزادی کوردها به رهبری عبداله اوجالان، شیوخ قبایل کرد با سنت فئودالی اقدام به مبارزه کردند. شيخ سعید درسال 1925 عليه دولت نژاد پرست ترک آتاتورک قيام کرد و آتاتورک با استفاده ازتمام قدرت آتش نظامی و نيروی هوائی قيام شيخ سعید را سرکوب کرد. درآن سوی مرزترکيه، درايران رضا خان قزاق با ترور اسماعیل آقا سميتقوشورش ايل شکاک را سرکوب کرد،و پسرش محمد رضاشاه ديکتاتورفرقه دموکرات آذربایجان و جمهوری مهاباد به رهبری قاضی محمد را سرکوب و قاضی را دار زد. درسال 1347 سلیمان معینی(پدرسيامند معینی رهبر مشترک فعلی پژاک)، اسماعیل شریف زاده-دانشجوی دانشکده فنی تهران- ورفقايشان اقدام به جنگ چریکی عليه حکومت دیکتاتوری شاه کردند. ملا مصطفی بارزانی خائن سلیمان معینی را در عراق کشت و جنازه اش را به رژيم ايران تحویل داد.

مقدمتا بگويم که کنوانسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد حق تعيين سرنوشت ملل را تا سرحدّ جدائی به رسميت شناخته است. در رفراندوم سال 2014 اکثریت مردم اسکاتلند عليه استقلال از انگلستان رای دادند. بنابراین، مشابه حق طلاق به عنوان يک راه حل مسالمت آميز دموکراتيک در اختلافات خانوادگی، هر ملت تحت ستم نيز درشرائط نبود مکانیسم راه حل مسالمت آميزبرای کسب حقوق دموکراتيک با رجوع به حق تعيين سرنوشت به رسميت شناخته شده در کنوانسیون حقوق بشر سازمان ملل از دولت-قدرت مرکز گرا وستمگرجدا شود.

اين حکایت اغلب بين رفقا ی جنبش آزادی کردها نقل می شود. روزی عبداله اوجالان جوان با پیرمرد کوردی برخورد کرد وبا وی درباره کوردستان صحبت می کند. پیرمرد به تنه خشک وبی جان درختی اشاره کرده و با ياس می گويد: «اوضاع مردم کورد شبیه اين درخت مرده است. شما می توانید اين درخت را دوباره سبز کنید»؟ اوجالان می فهمد منظورپيرمرد چيست؛ سخنان پیرمرد حکایت از نارضایتی مردمی داشت که با تاریخ انکار، خشونت و نسل کشی مواجه شده بودند. ولی، تنها کوردها نبودند که زندگی شان شبیه تنه درخت خشک بود: شکست های ”سوسياليسم “موجود، سوسيال دموکراسی و جنبش هائی ازمبارزات آزادی بخش ملی به مردم وعده يک جامعه آزاد دموکراتيک داده بودند تا آنها رابه رهائی رهنمون شوند، مایوس کردند. طی دهه های بعد، اين درخت مرده دوباره زنده شد وبه باغی پر شاخ و برگ رنگارنگ ، پرتوان و ريشه دار تبدیل گرديد. اين داستان امید وآزادی میراث باورهای تزلزل ناپذيرعبداله اوجالان تا نسل های آینده پژواک خواهدکرد2 .

درآوريل 1973 يک گروه شش نفری دور هم جمع شدند تا يک سازمان مستقل سياسی تاسیس کنند. آنها با اين فرض که کوردستان يک نمونه کلاسيک مستعمره بود و مردم کوردستان را با زور از حق تعيين سرنوشت محروم کرده بودند. هدف محوری اينها تغيير اين وضع بود. شاید جمع اين شش نفر را تولد جنبش نوین کوردها ناميد. طی سال های بعد، حامیان جدیدی به اين گروه پیوسته و کمک کردند تا نظراتشان را دربين مردم روستائی کوردستان تبلیغ کنند. روزبه روزدرگيری بين اين جوانان ونيروهای امنیتی دولت ترکیه و افراد وابسته به اشرافیت قبایل کوردستان وگروه های متخاصم رقیب روی می داد، وبه شدت به جنبش جوان حمله می کردند.

در27 نوامبر1978 در دهکده کوچکی نزدیک شهر دياربکر(اسم تاریخی شهر آمد)«حزب کارگران

کردستان(پ ک ک) با ايدئولوژی مارکسيسم و سبک کار سياسی لنین تاسیس شد». با کودتای نظامی سپتامبر ژنرال کنعان اورین در سال 1980وبروز جو شدیدا بگیر وبه بند، کادرهای بالای حزب به رهبری عبداله اوجان به سوریه رفتند. دراينجا، «پ ک ک» با استفاده از شکاف بين سوریه طرفدار شوروی با ترکیه حامی غرب وعضوناتو، اوجالان موفق شد اردوگاه های آموزشی و آکادمی درسوريه تاسیس کند. عبداله اوجالان با آموزش داوطلبان وانتقالشان به کوردستان، درسال 1984 جنگ گريلاهای پ ک ک با ارتش ترکیه کلید خورد. با ادامه جنگ هردوطرف متحمل تلفات زيادی شدند. ارتش ترکيه 4000 دهکده را با خاک یکسان کرد ويک ميليون دهقان را به مناطق ديگر کوچ داد. ولی، همچنان جنگ وخونريزی ادامه يافت. فروپاشی شوروی درسال 1991، ضربه هولناکی برچپ مارکسیست جهانی وارد کرد. عبداله اوجالان به ژرف در غور فرو رفت وبا نقد کمبود های پايه ای مارکسيسم-لنينيسم، وبه تبع آن با نقد و انتقاد از سبک کار حزب کارگران کوردستان به نقد *ناسيوناليسم و دولت* رسید. درسال 1993 پ ک ک با رد برنامه ای تشکيل دولت سوسياليستی مستقل کوردستان از طريق مبارزه مسلحانه آزادی بخش، خواهان حل مسالمت آميز و دموکراتيک مسئله مردم کردستان شد. طغرل اوزال نخست وزيروقت ترکيه به حل مسالمت آميز معضل کوردها اظهارتمايل کرد. مردم ترکيه غرق درشادمانی شدند. ولی اين شادی وامید چندان نه پائيد. ناگهان اعلام شد نخست وزیر با سکه قلبی درگذشت. بعدها باکالبدشکافی جسد معلوم گرديد قدرت پشت پرده- -deep state مخالف حل مسالمت آميز دموکراتيک معضل کوردها و طرفدار ادامه جنگ تا شکست و نابودی پ ک ک، نخست وزیر طغرل اوزال را با زهرکشته بودند. دوباره جنگ وخونريزی ادامه يافت، تااينکه رجب طيب اردوغان نخست وزیر ترکيه درسال 2013 اعلام کرد ما با کوردها مشکل نداریم و مقامات بالای امنیتی وسياسی ترکيه برای مذاکره با عبداله اوجالان درزندان ديدارکردند. مذاکرات مقامات دولت ترکيه و هیئتی از رهبری حزب دموکراتيک خلق ها- HDP- با عبداله اوجالان زندانی تا سال 2015 ادامه يافت- درتمام اين مدت مباحث مذاکره به رهبری پ ک ک در کوههای قندیل در شمال کوردستان عراق اطلاع داده می شد. درپی انقلاب روژاوا درسال 2012، با پارادایم کنفدراليسم دموکرات عبداله اوجالان برپايه دموکراسی مستقیم، يا مردم در نهادهای کمونی وشورائی جامعه را اداره کنند، اردوغان وحشت زده يک جانبه مذاکرات را درسال 2015قطع کرد.

**ايدئولوژی تروریسم به عنوان جنگ افزار نرم-Weaponization of Terrorism**-

با حمله القاعده به برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک در9 سپتامبر سال 2001 ايدئولوژی تروريسم به عنوان جنگ افزارنرم ازسوی دولت-قدرت ابرامپرياليسم آمريکا مهندسی شد. رجب طيب اردوغان فاشيست ترکيه با خروج يک جانبه از مذاکره با عبداله اوجالان زندانی درسال 2015، ناگهان با زرنگی نام های خودمختاری دموکراتيک روژاوا3 و نيروهای حفاظت مردمی زنان را قلم گرفت و عبداله اوجالان، پ ک ک و نيروهای حفاظت خلقی مردان را تروریست ناميد. تغييرريل عبداله اوجالان ازتشکيل دولت وسيستم سلسله مراتبی،Hierarchy، درسال 1993و پذیرش مبارزه مسالمت آميز دموکراتيک برای حل معضل مردم کوردستان مغايرسياست آمريکا درخاورميانه بود. بيل کلینتون رئیس جمهور آمريکا درسال 1996عبداله اوجالان و پ ک ک را درليست تروریستی قرار داد.بافروپاشی ”شوروی“ سوریه حامی مهم اش را ازدست داد. دولت ترکيه با حمايت آمريکا به دولت سوریه اولتیماتوم داد تا عبداله اوجالان را ازسوريه اخراج کرده ومقرهای پ ک برچيده شوند. عبداله اوجالان روز 29 اوت سال 1998 ازسوريه به اروپارفت با اين امید که حل دموکراتيک مسأله مردم کردستان را در اروپا پیگیری کند.ولی سرش به سنگ خورد وبا توطئه آمريکا، ناتوو اتحاديه اروپا عبداله اوجالان رهبر جنبش آزادی کوردها درنايروبی پايتخت کنیا توسط سیا و موساد سازمان های جاسوسی برون مرزی آمريکا واسرائیل به رغم قوانین بين المللی ربوده شد وتحويل دولت ترکيه دادند. اکنون بيست و چهارسال است که اوجالان درجزيره امرلی واقع دردريای مرمره زندانی شده است. زندان ويژه امرلی دردريای مرمره، برای اوجالان ساخته شد، او در سلولی به ابعاد سه متردردو متر زندانی انفرادی امرالی است. پنجره کوچکی بالای سلول خارج از ديد فضای بیرون قراردارد، شاخه کوچک درختی پشت پنجره را بریدند. يک هزار سرباز ازجزيره امرلی حفاظت می کنند. تا چندین سال اوجالان تنها زندانی امرلی بود. بعدها دوسه نفر ازرفقای زندانی ديگر رابه امرالی انتقال دادند. ولی هیچ تماسی با اوجالان ندارند. برای تشدید شکنجه روحی درمواردی مدادوکاغذ را از وی گرفته ويک ساعت تنفس درحياط زندان را قطع می کنند. با اعلام تنبیه انضباطی به مدت سه ماه هرگونه ملاقات با اوجالان ممنوع شده واين نيرنگ مرتب تکرار می شود. ترکيه عضو سازمان ملل متحد و کاندیدای ورود به اتحاديه اروپا ملزم به اجرای قوانین مطروحه در حقوق بشر را نقض کرده، وبکرات ديدارخانواده ووکلا ازوی را سلب می کند و اجازه تماس تلفن به اوجالان نمی دهد. اکنون بيش از بيست ودو ماه است که هيچ خبری از وضعیت و سلامت اوجالان نيست. درپی اعتراضات ممتد هواداران جنبش آزادی کوردها در اروپا و بويژه جلو ساختمان حقوق بشراتحاديه اروپا پيش از انتخابات ترکيه در14 می امسال نماینده حقوق بشر اتحاديه اروپا از زندان امرلی بازدید و گزارشی تهیه کرد و انتشار آنرا به عهده دولت ترکيه گذاشت!!!

اردوغان فاشيست از سال 2016 تاکنون بی وقفه به مقرهای پ ک ک درکوه های قندیل علاوه بر استفاده از سلاح های کلاسيک و بمب های شیمیائی ممنوع شده بين المللی حتی از نوعی ازبمبهای تاکتيکی هسته ای عليه پ ک ک استفاده می کند.همچنين، از دو سال گذشته با پهباد به کنفدراليسم دموکراتيک شمال وشرق سوريه حمله کرده و شماری ازکادرهای بالای آنرا بقتل رسانده است.اما، فراترازجنگ فيزيکی دومين ارتش بزرگ ناتو؛ ميت،MIT، سازمان امنیت ترکيه جنگ روانی گسترده ای عليه جنبش آزادی کوردها راه انداخته ودروغ های شاخدار و تحریف حقایق را در رسانه های جمعی و فضای مجازی کشوری و جهانی پخش می کند(جمهوری اسلامی نيز بويژه در جنگ روانی عليه پژاک در کناری نظاره گرنيست).با دستگیری اوجالان مقامات دولت ترکيه هلهله و شادی راه انداختندورسانه های جمعی جيره خواه وشوينيست ترک دردستگيری اوجالان وپيروزی دولت نوشتند و گفتند. دولت ترکيه با خودستایی گفتند سررا گرفتیم تن بدون او فرومی پاشد.درابتدا اين ادعاچندان نيزبی جا نبود. ولی، بزودی دستنوشته های زندان عبداله اوجالان بادکنک تبليغات هيستريک دولت ترکيه ورسانه های نژاد پرست را ترکاند.پ ک ک و جنبش آزادی کوردها با جذب اندیشه های دستنوشته های اوجالان زندانی شاداب و سرزنده شدند و استوار ونستوه در راه تحقق پاراديم کنفدراليسم دموکراتيک به پيش گام بر میدارند. اين را نيز اضافه کنم که جهان سرمايه داری آگاهانه جنگ جنايت کارانه اردوغان عليه جنبش آزادی کوردها را سانسور کرده است.

**پارادایم کنفدراليسم دموکراتيک راه حل معضل کوردها**

اوجالان مفهوم کنفدراليسم دموکراتيک را از ماری بوکچين،Murry Bookchin،فيلسوف اجتماعی، ناقد،Critic، وکنشگرآمريکائی گرفت و آنرا بسط و گسترش داد.

در بالا شرح دادم سرزمين تاریخی يک پارچه مردم کوردستان در هلال حاصلخیز، مسوپودميا يا ميان رودان به چهار بخش باکورترکيه، روژاوا يا کردستان غربی درسوريه، باشور يا کردستان عراق وروژيهلات درايران تقسيم شده اند. برابر با طرح اوجالان برای حل معضل کوردستان، مردم درهرکدام ازچهاربخش کوردستان در چهارچوب ارضی دولت های متبوعه ازطريق مبارزه مسالمت آميز دموکراتيک اداره مستقیم جامعه درنهاد های کمونی وشورائی را درهريک ازچهارپاره کوردستان اداره کنند. مرزهای کشوری باقی مانده، ومردم کورد به توانند آزادانه ازهريک از مرزهای کشورها عبور کرده وبا برادران کشورديگرمراوده کنند. دراين خصوص ساختار اقتصادی، سياسی و اجتماعی اتحاديه اروپا به کنار-بيست و شش کشوراتحاديه اروپا مثال زنده ایست. مردم اين کشورها آزادانه به تمام کشورهای همديگرمسافرت می کنند.

بالاخره درپايان شایان ذکر دارد علیرغم تحميل جنگ، محاصره اقتصادی، حتی بستن آب رودخانه فرات و حملات پهباد ی ودسیسه های گوناگون ديگر اردوغان، مردم کنفدراليسم دموکراتيک شمال وشرق سوريه برای تحقق کامل اداره شورائی پيگيرانه تلاش می کنند.

**ملاحظات**

ا- کتاب گلچینی ازانديشه های عبداله اوجالان، تالیف ابتکاربين المللی برای آزادی اوجالان و دموکراسی درکوردستان. International Initiative for the Freedom of Abdulla Ocalan and Democracy in Kurdistan

2- ديلار دریک جامعه شناس و محقق در دانشگاه آکسفورد و فعال جنبش آزادی کردها.

3- درپی آزاد سازی شهرهای منبيج، شدادی، طبقا وبويژه شهررقا، پايتخت داعش جنايت کار، وشرق ديرازورهمگی با جمعيت عرب، خودمختاری دموکراتيک روژاوا-با جمعيت غالب کورد- براساس پایبندی به اصل دموکراسی و رفع شبهه از ايجاد هرگونه ادعای برتری و سلطه کوردهای روژاوا بر مناطق عرب نشین نامش را به کنفدراليسم دموکراتيک شمال وشرق سوريه تغييرداد.

مراد عظيمی